

تحلیل ماتریس فضایی شکاف توسعه در مناطق روستایی ایران

محمدعلی فیروزی^۱، مرتضی عبیات^{۲*}، مصطفی عبیات^۳

۱- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، M.alifirozi@scu.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران اهواز، Morteza.abiyat@yahoo.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران اهواز، Mostefa.abiyat@gmail.com

چکیده

تحلیل فضایی وضعیت توزیع شاخص‌های توسعه روستایی برای بستر سازی تعادل در مناسبات مختلف روستایی حائز اهمیت اساسی است. مسئله‌ای که شاکله اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد، تحلیل ماتریس فضایی شکاف توسعه در مناطق روستایی ایران است. به این منظور، قلمروی جغرافیایی تحقیق از منظر شاخص‌های توسعه روستایی نظیر روستاهای مسکونی، جمعیت روستایی، میزان باسوادی، تحصیلات، اشتغال، بیکاری، شرایط طبیعی روستایی، علمی و آموزشی، فرهنگی و ورزشی، سیاسی، اداری و اجرایی، زیرساخت‌ها، بهداشتی و درمانی، بازرگانی و خدماتی، امکانات ارتباطی و کشاورزی و با استفاده از فنون تصمیم‌گیری چندشاخصه مانند الکترا، کوپراس، واسپاس و مولتی‌مورا و نیز مجموعه ادغامی مانند میانگین رتبه‌ها، بردا، کاپلند و پست بررسی و سطح‌بندی گردید. در نهایت نتایج سطح‌بندی استان به تفکیک کلیه شاخص‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار ArcGIS10.4.1، به شکل نقشه ارائه شد. در پژوهش حاضر، توزیع جغرافیایی سطوح توسعه روستایی، وجود ناهم‌انگهی فضایی میان مناطق روستایی کشور را اثبات می‌کند. این ناهم‌انگهی، در سطح استان‌های کشور از نظر نماگرهای مورد بررسی در موضوعات مختلف قابل ملاحظه است. بیشتر شاخص‌های توسعه در نیمه‌های غربی، شمالی و شمال غربی و شمال شرقی و بخش‌های از مرکز و جنوب کشور متمرکز شده است؛ به گونه‌ای که شش ناحیه در مرتبه اول و در وضعیت بسیار مناسب، شش شهرستان در مرتبه دوم و مناسب، شش ناحیه در مرتبه سوم و نسبتاً مناسب، شش ناحیه در مرتبه چهارم و نامناسب و هفت ناحیه در مرتبه پنجم و در وضعیت بسیار نامناسب و به عبارتی موقعیت هشدار قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل ماتریس فضایی، شکاف توسعه، مناطق روستایی، ایران.

۱- مقدمه

جایگاه مناطق روستایی در فرآیند توسعه منطقه‌ای کجاست؟ چرا مطالعات توسعه شهری و منطقه‌ای به تراکم منابع و سرمایه در مراکز شهرها که نیروهای محرک رشد و نوآوری هستند، گرایش داشته‌اند، و مناطق روستایی به جای آن که نقش تولیدی کشورها را ایفا کنند، دورتر از شهرها، نقش منفعل و بازمانده‌ای را بازی می‌کنند. آیا پژوهشگران و دانشگاهیان، بر این باورند که بحث‌های توسعه شهری و توسعه روستایی به طور مجزا از هم انجام شوند (وارد و براون، ۲۰۰۹، ۱۳۳۸). پاسخ چنین سؤالاتی را می‌توان در قالب استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه منطقه‌ای پیدا کرد. از این رو، استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای، نقش مهمی در تقویت فعالیت‌های اقتصادی و توسعه مناطق محروم و به دنبال آن، کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای داشته‌اند. تخصیص منطقه‌ای تسهیلات و اعتبارات عمومی را می‌توان، گامی برای دستیابی به توسعه متعادل و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای مطرح کرد (ماتسوموتو، ۲۰۰۸، ۴۸۰). همگرایی در توسعه مناطق، زمانی محقق خواهد شد که مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته با شتاب بیشتری نسبت به مناطق دیگر، رشد و توسعه یابند؛ در غیر این صورت